



Measuring the Degree of Development and Degree of Globalization of Cities With Emphasis on John Friedman's Thought

Hassan Kamran Dastjardi ¹ and Narjes Sadat Hosseini Nasrabadi ^{2,*}

¹ Professor of Political Geography, University of Tehran, Tehran, Iran

² PhD in Political Geography, University of Tehran, Tehran, Iran

* Corresponding author, Email: hossainy_65@ut.ac.ir

Receive Date: 04 August 2021

Accept Date: 13 November 2021

ABSTRACT

Introduction: Various criteria are used to measure the degree of development and globalization of cities. Despite extensive efforts to determine criteria for recognizing and distinguishing these cities, so far, a single theoretical and empirical basis for recognizing global cities has not been provided. One of the basic and important ways to know the characteristics of global cities and the degree of movement of cities towards development and globality is the descriptions and indicators provided by different researchers.

Objectives: The importance of this research is due to the fact that by emphasizing the ideas of John Friedman, it shows the ways to achieve development and progress, and according to the prominent criteria of the global city, it smoothes the movement towards the global city.

Methodology: This is a fundamental research with a descriptive-analytical method of expressing and examining the theories presented by the prominent researcher John Friedman, about the characteristics of global cities and how to reach a global city. Friedman believes that the three global cities of London, New York and Tokyo, with their large economic holdings, have taken the commanding role and the top of the urban hierarchy.

Result and Discussion: Based on the results of the research, it can be said that the city should show its dynamism. Any metropolis that can be influential at the international or global level in one of the fields of economy, culture and politics and as a superior center and pole can assume functions such as international command, domination and control in its geopolitical space. To have the status of a global city.

Conclusion: cities; They should be transformed into economic and social systems in the spatial organization, and the movement towards development and finally a global city is based on having three basic indicators, which are: 1- the activity of the central offices of companies, 2- financial centers, 3- detailed cities or link.

KEYWORDS: Friedman, Global City, Globalization, Economics, Politics

سنجش میزان توسعه و درجه جهانی شدن شهرها با تأکید بر اندیشه جان فریدمن

حسن کامران دستجردی^۱ و نرجس سادات حسینی نصرآبادی^{۲*}

۱. استاد جغرافیای سیاسی دانشگاه تهران، تهران، ایران

۲. دکترای جغرافیای سیاسی دانشگاه تهران، تهران، ایران

* نویسنده مسئول، Email: hossainy_65@ut.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳ مرداد ۱۴۰۰

تاریخ پذیرش: ۲۲ آبان ۱۴۰۰

چکیده

مقدمه: برای سنجش میزان توسعه و درجه جهانی شدن شهرها از معیارهای گوناگونی استفاده می شود. با وجود تلاش های گسترده برای تعیین معیارهایی برای شناخت و تفکیک این شهرها، تاکنون مبنای نظری و تجربی واحدی برای شناخت شهرهای جهانی فراهم نشده است. یکی از راههای اساسی و مهم برای شناخت خصوصیات شهرهای جهانی و میزان حرکت شهرها بسوی توسعه و جهانی بودن، توصیفات و شاخصه هایی است که توسط محققان مختلف ارائه می شوند.

هدف: اهمیت این تحقیق از آنروست که با تأکید بر اندیشه های جان فریدمن راه های رسیدن به توسعه و پیشرفت را نشان می دهد و باتوجه به معیارهای برجسته شهر جهانی، حرکت بسوی شهر جهانی را هموار می سازد.

روش شناسی: این تحقیق بنیادی با روش توصیفی-تحلیلی درصد بیان و بررسی نظریه های ارائه شده توسط محقق برجسته جان فریدمن، پیرامون مشخصه های شهرهای جهانی و چگونگی رسیدن به شهر جهانی است. فریدمن معتقد است سه شهر جهانی لندن، نیویورک و توکیو، با در دست داشتن اقتصادی بزرگ نقش فرماندهی و رأس هرم سلسله مراتب شهری را به خود اختصاص داده اند.

یافته ها: با استناد به نتایج تحقیق می توان گفت: شهر باید ویژگی پویابودن خود را نشان دهد. هر کلانشهری که در سطح بین المللی یا جهانی در یکی از حوزه های اقتصاد، فرهنگ و سیاست بتواند تأثیرگذار باشد و به عنوان یک مرکز و قطب برتر، کارکردهایی نظیر فرماندهی، سلطه و کنترل بین المللی در فضای ژئوپلیتیکی خود را برعهده گیرد، می تواند دارای منزلت شهر جهانی باشد.

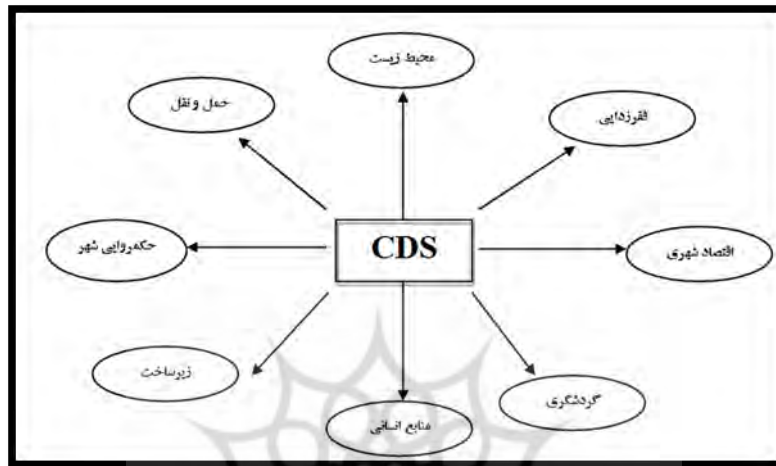
نتیجه گیری: شهرها؛ باید به نظامهایی اقتصادی و اجتماعی در سازمان فضایی تبدیل شوند و حرکت بسوی توسعه و درنهایت شهر جهانی بر اساس داشتن سه شاخص اساسی است که عبارتند از: ۱- فعالیت ادارات مرکزی شرکت ها، ۲- مراکز مالی، ۳- شهرهای مفصلی یا پیوند.

کلیدواژه ها: فریدمن، شهر جهانی، جهانی شدن، اقتصاد، سیاست

مقدمه

از مهم‌ترین دیدگاه‌های برنامه‌ریزی شهری معاصر، دیدگاه توسعه پایدار شهری می‌باشد که این اصطلاح از زمان گزارش کمیته کمیسون برانت لند توسعه‌یافته و در حال حاضر به‌عنوان یکپارچگی ملزوم در حوزه‌های اجتماعی، اقتصادی و محیط زیستی دیده می‌شود (رضویان و همکاران، ۱۳۹۸، ۲۲۴). در این راستا، فرایند جهانی‌شدن نیروی مهمی در توسعه شهرهای سراسر جهان بشمار می‌آید. جهان شهرها، مکان‌هایی مهم و مظهر قدرت اقتصادی و سیاسی اند. در مهر و موم‌های پایانی دهه (۱۹۸۰) و سال‌های نخستین دهه (۱۹۹۰)، انبوهی از مطالعات صورت گرفت که در پی شناسایی جهان شهرها بودند. تولید حتی جدولی ساده از کل شهرهای جهانی در سراسر جهان در سطحی بنیادی، کاری بسیار مشکل و زمان‌بر است (شورت، ۱۳۹۶، ۲۴). محققان برای سنجش میزان جهانی بودن شهرها از معیارهای گوناگونی استفاده می‌کنند که اغلب آن‌ها ماهیت اقتصادی دارند. از مهم‌ترین مشکلات برای دستیابی به معیارهایی جامع برای رتبه‌بندی شهرهای جهانی، نبود داده‌های مناسب درباره همه شهرهای موردبررسی چه از نظر جامعیت و چه همانندی بین شهرهای مختلف و نبود اجماع نظر کافی درباره خصوصیات شهر جهانی است. با تلاش‌هایی که تاکنون انجام شده، معیارهای رتبه‌بندی شهرهای جهانی نیز در حال توسعه و تکامل هستند. با وجود اهمیت معیارها و شاخص‌ها، در حوزه شهرهای جهانی، عمده بررسی‌ها بر رابطه بین شهر و جهانی‌شدن و توصیف کیفی از خصوصیات شهرهای جهانی تمرکز یافته و توجه کمتری به ارائه شاخص‌های کمی برای شکل‌گیری شهر جهانی شده است؛ اما باید توجه داشت که شاخص‌های کمی، اهمیت زیادی برای دولت‌ها و مسئولانی دارد که می‌خواهند شهرهای خود را به سمت جهانی بودن هدایت کنند (کای و کیت، ۲۰۰۵، ۲۳۹). امروزه شاخص‌های اجتماعی، اقتصادی، زیست‌محیطی و... هم در جهان توسعه‌یافته و هم در جوامع در حال توسعه وسیله‌ای برای سنجش درجه توسعه‌یافتگی و از سویی دیگر معیاری جهت سنجش میزان موفقیت و ناکامی برنامه‌های توسعه شهری محسوب می‌شود. شاخص‌ها و معیارها ابزار سنجش برای وضعیت یک جامعه است و به کمک آن می‌توان تصویری از یک جامعه را به دست آورد و همچنین مسیر حرکت جامعه را تعیین کرد؛ بنابراین، اهمیت معیارها و شاخص‌ها در مرحله شناخت، ارزیابی و برنامه‌ریزی ضرورت می‌یابد. در این میان معیارها و شاخص‌ها به‌ویژه در مقیاس کوچک باید متناسب با شرایط محیطی، اجتماعی، اقتصادی و... باشد. در نتیجه، رتبه‌بندی شهرها بر اساس این معیارها نمایانگر میزان پیوستگی شهرها با فضای جهانی و رتبه جهانی بودن آن‌ها است. به‌عبارتی دیگر، تاکنون تلاش‌های متنوع و متعددی برای رتبه‌بندی جهانی بودن شهرها انجام شده است. از آنجایی که این رتبه‌بندی‌ها از نظر معیارهای رتبه‌بندی و انواع و حجم داده‌های مورد استفاده، تفاوت‌هایی با یکدیگر دارند، لذا امکان مقایسه جایگاه شهرها در رتبه‌بندی‌های مختلف مشکل است. در این مقاله به یکی از معتبرترین رتبه‌بندی‌های جامع در دهه‌های اخیر که توسط جان فریدمن انجام شده است اشاره می‌شود. در واقع، شهرهایی که به پارامترها و شاخص‌های اساسی به‌ویژه در حوزه اقتصادی دست یابند به‌سوی شهرهای جهانی می‌توانند حرکت کنند و در این میان شهرهای سیاسی جهان برای دریافت این رتبه در حال رقابت و گاهی کشمکش هستند. شهرها با مسائل پیچیده‌ای به‌منظور دستیابی به توسعه اجتماعی-اقتصادی و کیفیت زندگی مواجه هستند. مطابق گزارش سازمان ملل در سال ۲۰۰۸، بیش از ۵۰ درصد جمعیت در شهرها زندگی می‌کنند و در سال ۲۰۵۰، بیش از ۷۰ درصد جمعیت دنیا ساکن شهرها می‌شوند (نسترن و پیرانی، ۱۳۹۸، ۱۴۸). در عصر جهانی‌شدن، گسترش فناوری تأثیر بسیاری بر رشد همه‌جانبه و توسعه پایدار شهرها گذاشت (گروه آی تی یو تی، ۲۰۱۳، ۲). توسعه شهری (CDS) شامل اصولی است که با عنوان شهرهای پایدار از آن یاد می‌شود. بر این اساس شهرهای پایدار شهرهایی هستند که این چهار ویژگی را داشته باشند: قابل زندگی باشند؛ یعنی همه شهروندان آن دارای فرصت‌های همسان برای شرکت و بهره‌مندی از زندگی شهر باشند. رقابتی باشند؛ یعنی دارای اقتصادی پویا، درآمد و سرمایه‌گذاری همه‌جانبه باشند. بانکی باشند؛ یعنی از نظر بانک جهانی، شهر می‌بایست دارای سیستم مالیات شهری و مالی کارآمدی در استفاده از منابع درآمدی خود باشد. به‌خوبی مدیریت و اداره می‌شوند (علی اکبری و کماسی، ۱۳۹۷، ۲۰۱). از منظر کارشناسان شهری سازمان ملل متحد، برنامه

توسعه شهری کشورهای در حال توسعه مشخصه‌های مشترکی دارند که مهم‌ترین آن‌ها عبارت است از بلند پروازانه و غیرواقعی بودن و عدم ملاحظه امکانات واقعی اجرایی، فقدان نظام قانونی و ساختار سازمانی منسجم، کمبود منابع مالی و نارسایی مهارت‌ها و دانش فنی، عدم مشارکت شهروندان، چالش‌های کاربری زمین‌های شهری شامل گسترش بازار غیرقانونی زمین و مستغلات، ناتوانی دولت‌ها در نظارت بر زمین‌ها، فقدان معیارها و استانداردهای مناسب کاربری مسکونی، انعطاف‌ناپذیری و ناسازگاری طرح‌های کنونی شهرها از جمله طرح جامع (Gunder & Hillier, 2007, 39). علی‌اکبری و کماسی در پژوهشی در رابطه با توسعه شهری، شاخص‌ها و محورهای عمده توسعه شهری را بررسی کرده‌اند و با توجه به این شاخص‌ها رتبه‌بندی شهر مورد نظر خود را مشخص کرده‌اند. شکل (۱).



شکل ۱. محورهای عمده مطالعاتی در سند راهبرد توسعه شهری (برگرفته از: علی‌اکبری و کماسی، ۱۳۹۷، ۲۰۰)

در یکی دو دهه گذشته مفهوم جدیدی از شهر با توجه به میزان توسعه‌یافتگی، در مطالعات شهری با عنوان «شهر جهانی» رواج یافته است. هرچند هنوز درباره‌ی تعریف دقیق و تعیین معیارهای شهر جهانی اتفاق نظری به دست نیامده است، ولی در این مورد که فن‌آوری‌های جدید اطلاعات، ارتباطات مخابراتی، سهولت نقل و انتقالات افراد و کالاها و ... دامنه‌ی فعالیت شهرها و در نتیجه اهمیت و نقش‌آفرینی برخی شهرهای جهان را افزایش داده‌اند، اتفاق نظر نسبی‌ای وجود دارد. در این راستا، برآیند جهانی‌شدن اقتصاد علاوه بر تسهیل در جابه‌جایی و انتقال سریع سرمایه‌های خارجی، فناوری‌های ارتباطات و اطلاعات، تبادل دانش، نیروی انسانی در مرزهای بین کشورها موجب شبکه‌ای جدید از شهرها به نام شهرهای جهانی در سلسله‌مراتب شهری جهان شده است (سرور، ۱۳۹۶، ۵۲).

ساسن، در کتاب شهر جهانی خود، معتقد است: شهر جهانی؛ عبارت از شهری است که تصور می‌رود نقطه‌ی تلاقی در نظام اقتصاد جهانی باشد (Sassen, 2003, 8). کلان‌شهرها نیز به محض اینکه در اقتصاد جهانی پست فوردیسم جایگاهی را به خود اختصاص می‌دهند و به‌عنوان یکی از گره‌های شبکه اقتصاد جهانی به نقش‌آفرینی می‌پردازند، از کلان‌شهر به وضعیت «شهر جهانی» ارتقا می‌یابند. پاتریک گدس، در سال (۱۹۱۵) و حال در سال (۱۹۹۶)، شهرهای جهانی را مورد شناسایی و تبیین قرار دادند. آن‌ها شهرهای جهانی را مراکز قدرت سیاسی ملی و بین‌المللی، مقر تجارت ملی و بین‌المللی، محل استقرار بانک داری، بیمه و خدمات مالی، فعالیت‌های تخصصی پیشرفته در انواع مختلف در حوزه‌های متفاوت پزشکی، حقوقی، آموزش عالی، علم و تکنولوژی، اطلاعات، تقاضا و عرضه، انتشارات، رسانه‌های ارتباط جمعی، مراکز تولید و مصرف انبوه، مراکز هنر، فرهنگ و تفریحات و فعالیت‌های وابسته به آن‌ها برشمردند که به‌عنوان نقاط مبادی کشورهای خود و بعضاً کشورهای همسایه عمل می‌کنند (Taylor, 2004, 21). از نظر شورت، شهرهای جهانی،

مکان‌های شبکه‌های متراکم تماس بین فردی و مراکز انباشت سرمایه‌های اجتماعی و تجاری هستند (short, 2004, 14).

آنتونی کینگ^۱، جوهری‌ترین خصیصه شهر جهانی را کارکرد هدایت‌گری آن در اقتصاد جهانی می‌داند که خصوصیات سیاسی - جغرافیایی اساسی به آن‌ها می‌بخشد (King, 1991, 25).

کاستلز، شهر جهانی را با شهر اطلاعاتی مترادف می‌داند و با نگرش به تأثیرپذیری شهرها از فن‌آوری‌های ارتباطات و ظهور اقتصاد اطلاعاتی، شهر جهانی را نه یک مکان بلکه یک فرایند تلقی می‌کند (کاستلز، ۱۳۸۰، ۴۶۲). در واقع، شهرهای جهانی، شهرهای پویا هستند که به‌عنوان مراکز نوآوری، تولیدات آن‌ها به‌طور مستقیم وارد چرخه تجاری کشوری و جهانی می‌شوند. تیلور، معتقد است که شهرهای جهانی سبب رشد اطلاعاتی، علمی و خلاقیت بین‌بخشی، برائر تولید کالاهای خدماتی جدید می‌شوند (Taylor, 2004, 17).

همچنین، حجم عمده ادبیات و الگوهای موجود شهر جهانی، برای سنجش شواهد جهانی‌شدن شهرها در کشورهای درحال توسعه و بررسی وضعیت آن‌ها تلاش می‌کند تا چارچوب‌هایی را که در ارتباط با نمونه‌های نخستین این پدیده ایجاد شدند، به کاربرد. این در حالی است که موفقیت این شهرها نیز عمدتاً بر اساس معیارهای غربی، مورد توجه قرار می‌گیرد که اصطلاحاً از این جریان، تسلط و تحکم غربی در حوزه مباحث جهانی‌شدن و شهر، یاد می‌شود. در مقابل، گروه در حال رشدی از محققان معتقدند، ارتباط میان مفهوم شهر جهانی با موضوعات قدرت، بازیگران و نهادهایی که در سطح جهانی عمل می‌کنند، با اغراق همراه بوده و زمینه و احتمالات محلی، دست‌کم گرفته شده است. بر این اساس، در فرایند تحلیل جهانی‌شدن شهرها در کشورهای درحال توسعه، مناسب است تا بر اساس تجربه شهرهای جهانی غرب (نقش‌ها، موقعیت‌ها و ظرفیت‌های متنوع و در نتیجه ابعاد، آثار و پیامدهای متفاوت)، حرکت نمود (Timberlake et al, 2014, 162). جهان شهرها نقاط اتصال هستند که به‌عنوان مراکز نظارت عمل می‌کنند. این نظارت بر کلاف به هم وابسته جریان‌های اطلاعاتی و مالی و جریان فرهنگی اعمال می‌شود. به‌علاوه، جهان شهرها فصل مشترک میان فضای محلی و جهانی محسوب می‌شوند (جانستون و دیگران، ۱۳۸۳، ۳۵۹). جغرافیدانان سیاسی، جهان شهرها را با اقتصاد جهانی با تأکید بر کارکردهای فرماندهی آن‌ها مورد بررسی قرار می‌دهند. آن‌ها از این شهرها به‌عنوان مراکز برای نظام‌های جدید هم‌سنجی و کنترل، مکان‌های تولید خدمات تخصصی به‌ویژه خدمات تولیدی، از جمله حسابداری، خدمات مالی و مشاوره یاد کرده‌اند. سه شهر لندن، نیویورک و توکیو با توجه به موقعیتی راهبردی که دارند، موتور اقتصاد جهان را به حرکت درمی‌آورند (شورت، ۲۰۰۴، ۱۲). از نظر پیتر تیلور (۲۰۰۵)، «جهان شهرها بایستی به‌عنوان شهرهایی پیشرو شناخته شوند که رأس الگوهای سلسه مراتبی نظام شهری جهانی را اشغال کرده‌اند». مجتهد زاده معتقد است: ظهور پدیده جهان شهرها؛ مؤید این حقیقت است که اقتصادی شدن نظام جهانی و جهانی‌شدن نظام بازار آزاد جنبه‌های زیادی از حاکمیت اقتصادی کشورها را از میان برده و نقش‌آفرینی خودمختار سیاسی - اقتصادی شهرهای بزرگ را گسترش داده است (مجتهد زاده، ۱۳۸۱، ۵۶). پور موسوی و همکارانش در پژوهش خود در سال ۱۳۹۰، معتقدند: این شهرها به سبب جریان‌هایی که از آن‌ها می‌گذرد، ثروت، کنترل و قدرت را در خود متمرکز و حفظ می‌کنند؛ بنابراین، شهرهای جهانی به معنای تعلق داشتن به اقتصاد جهانی و رهایی از قیدوبندهای اقتصاد ملی است (پور موسوی و دیگران، ۱۳۹۰، ۵۳-۴۳).

به‌طور کلی، جغرافیدانان سیاسی، از شاخص‌هایی نظیر تعداد خدمات تولیدی و دفاتر مرکزی شرکت‌ها، جهت رده‌بندی و ترسیم نقشه شهرهای جهانی استفاده می‌کنند. این رده‌بندی موجب اعتلای جایگاه بسیاری از کشورها می‌شود. هرچند این تحقیقات مباحثات بسیاری را برانگیخته است که به آن‌ها اشاره می‌شود: - اولاً کانون توجه فقط بر «شهرهای جهانی فوق بزرگ» است و بسیاری از شهرهای جهانی شده و یا شهرهای جهانی در حال ظهور در این مطالعات جایگاهی ندارند - ثانیاً، تحقیقات بیشتری که در قالب تاریخی و ویژگی‌های جغرافیایی باشند، باید صورت

^۱ - Anthony King

گیرند. همچنین سؤالات بی‌جواب بسیاری در این مورد که چگونه یک شهر می‌تواند تبدیل به شهری جهانی گردد بی‌پاسخ‌مانده‌اند و باید جواب داده شوند. به‌طور خلاصه، تئوری‌های پیدائی و جهانی‌شدن شهرها به راین باورند که باید جوابی برای سؤال «چگونه می‌توان شهرجهانی شد» یافت و فرایندهای شهر جهانی‌شدن را تبیین کرد. شهرجهانی وضعیتی سودمند دارد و به همین سبب است که گروه‌های زیادی سعی در طبقه‌بندی و رتبه‌بندی شهرهای جهانی و غیر جهانی دارند (Doel, & Hubbard, 2002, 353)

روش‌شناسی

این پژوهش، بنیادی و نظری است. منابع آن مشتمل بر متون اسنادی و کتابخانه‌ای است و در قالب روش توصیفی - تحلیلی تنظیم شده است. در این مقاله کوشش می‌شود با توجه به متغیرهای اساسی که برجهان‌شدن و رتبه‌بندی شهرها تأثیرگذار است، با تأکید بر پژوهش‌های اندیشمند بزرگ جان فریدمن، به یک استنتاج عقلانی و یک نتیجه‌ای قابل‌تعمیم در عرصه کشوری و جهانی برسیم.

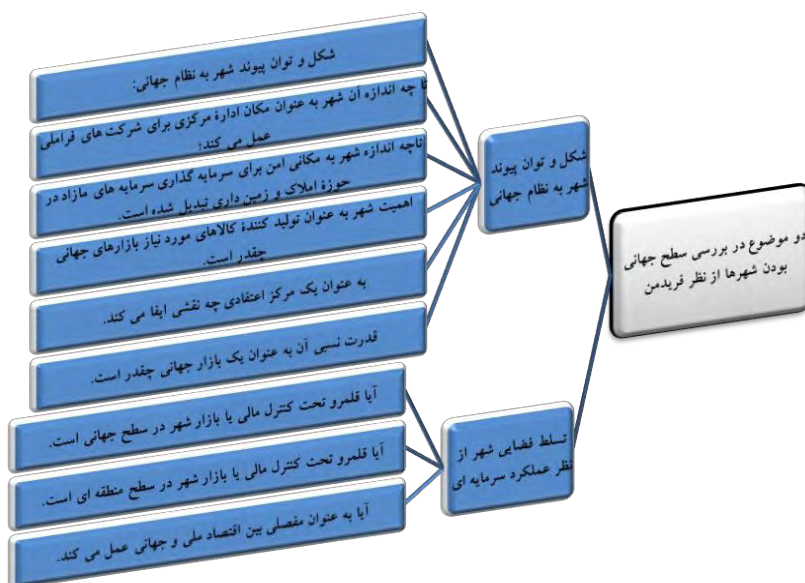
یافته‌ها و بحث

میزان توسعه شهر و جهانی‌شدن شهر با تأکید بر اندیشه جان فریدمن

جان فریدمن^۲ (۱۹۸۲)، مفهوم شبکه جهانی شهرها را به‌مثابه دستور کار پژوهشی ارائه داد. این مفهوم همانا اقتصاد سیاسی حلقه رابط جهانی سرمایه‌داری و شهرنشینی بود. وی، الگوهای شهرنشینی را به بین‌المللی‌شدن سرمایه و بازسازی شهر را به بازسازی اقتصاد پیوند داده‌اند و سلسله‌مراتب جهانی شهری‌ای را شناسایی کرده است که شهرهای جهانی در صدر آن هستند. وجه بارز این شهرها وجود مراکز نظارت و مهار اقتصاد جهانی، با توجه به تمرکز خدمات تولیدگر، تحرک بالای تهیه مسکن، نخبگان فراملی و ساختگاهی در بازسازی چشمگیر اقتصادی، اجتماعی و مادی است. شهرهای جهانی ذخیره فرهنگ‌ها و ایدئولوژی‌های مصرف و یکپارچگی جهانی‌اند. فریدمن، این شهرها را در مقام شهرهای جهانی شناسایی کرد: توکیو، لس‌آنجلس، سانفرانسیسکو، نیویورک، لندن، پاریس، رانشتات، فرانکفورت، زوریخ، قاهره، بانکوک، سنگاپور، هنگ‌کنگ، مکزیکوسیتی و... این شهرهای جهانی را بیش از آنکه اثبات کند، درباره آن‌ها حکم داده است؛ بنابراین، در دوره‌ای که با تشدید فرایندهای جهانی‌شدن و تأثیرات آن بر شهرها، تعاریف شهر جهانی نیز ارتباط بیشتری با پاسخ شهرها به جهانی‌شدن می‌یابند. فریدمن، شهرجهانی را مکان استقرار مراکز بزرگ مالی، ادارات شرکت‌های فراملی، مؤسسات بین‌المللی با رشد سریع خدمات کسب‌وکار، استقرار کارخانه‌های مهم، گره‌های حمل‌ونقلی مهم و جمعیت زیاد توصیف می‌کند (فریدمن، ۱۹۸۶، ص ۳۲۰). در تعریف فریدمن، به ماهیت اقتصادی شهرها بیشتر از قبل توجه شده است. وی، در سال‌های بعد، شهرجهانی را فضایی کوچک‌تر از کل جهان برای انباشت سرمایه و همچنین، فضاهای شهری بزرگ با تعاملات اقتصادی و اجتماعی فشرده معرفی کرد (فریدمن، ۱۹۹۵، ص ۲۵). فریدمن، دو موضوع را در بررسی سطح جهانی بودن شهرها ضروری می‌داند (فریدمن و ولف^۳، ۱۹۸۲، ص ۱۵۹). (شکل ۲)

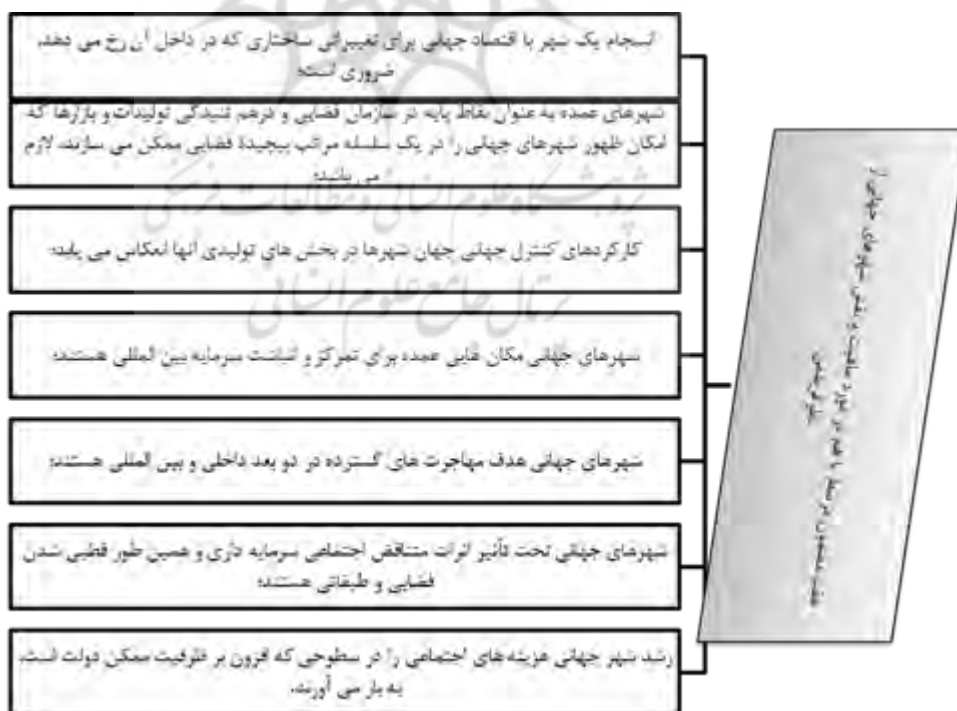
^۲-Fridman World City Theory

^۳ - Friedman & Wolf,



شکل ۲. سطح جهانی بودن شهرها از نظر فریدمن

از آنجایی که جان فریدمن، به طور علمی تر و در قالب نظریه، شهر جهانی را مورد تبیین و تحلیل قرارداد، لذا نظریه وی، به عنوان دیدگاه جامع مورد تبیین قرار گرفت و تعریف او از این شهرها نیز وجه بارز بسیاری از تحقیقات بعدی شد. فریدمن هفت مضمون مرتبط باهم را در مورد ماهیت و نقش شهرهای جهانی فهرست نمود:



شکل ۳. هفت مضمون مرتبط باهم در مورد ماهیت و نقش شهرهای جهانی از نظر فریدمن

بنابراین، باید گفت: تفسیر فریدمن، ریشه در ادراک شهر به‌عنوان پایگاه اقتصادی دارد و شهرهای جهانی از نظر وی نظام‌هایی اقتصادی - اجتماعی در سازمان فضایی هستند که بیشتر نمودی از مکان‌ها هستند تا بازیگران (Fridman, 1995, 22). بر این اساس، می‌توان گفت: شهرهای توسعه‌یافته شهرهایی هستند که در قالب یک نظام فضایی سازمان یافته به‌عنوان کانون‌ها یا گره‌گاه‌های اقتصاد جهانی به ایفای نقش می‌پردازند. فریدمن، در راستای نظریه خود نقشه‌ای از یک نظام ارائه نمود که پیرامون سه زیر نظام متمایز جغرافیایی - آسیا، آمریکا و اروپای غربی - با یک محور شرقی - غربی به هم پیوند یافته بود که در آن شهرهای برتر؛ یعنی توکیو، لس آنجلس، شیکاگو، نیویورک، لندن و پاریس گره‌گاه‌های اصلی بودند. پس‌از آن، فریدمن، در یک سطح‌بندی سلسله مراتبی مناقشه برانگیز و بااهمیت دادن به مراکز کنترل سرمایه در تقسیم‌کار (فضایی) جدید جهانی، شهرهای جهانی را در دو سطح مرکزی و پیرامونی دسته‌بندی کرد (Beaverstock et al, 1999).

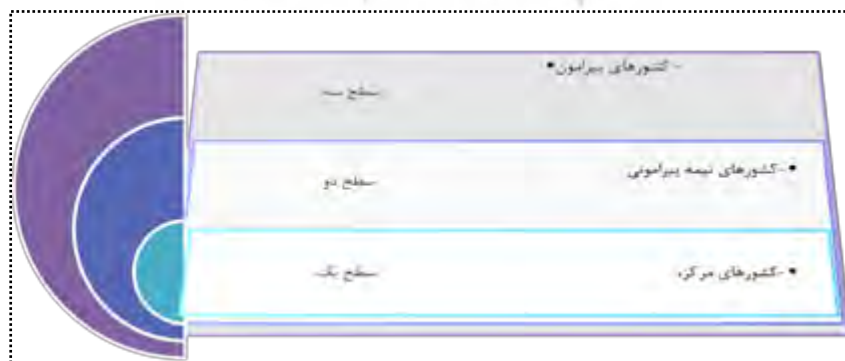
فریدمن، این سیستم‌های جدید را یک نو بیانیه فضایی یا شکل ظاهری از تقسیم‌بندی بین‌المللی جدید از نیروی کار می‌داند. همچنین، او برای تأیید این ایده، هفت فرضیه خود را به‌هم‌پیوسته و منسجم‌تر بیان می‌کند که عبارت‌اند از:

۱. مادامی‌که شهرها پدیده‌های اقتصادی محسوب می‌شوند، متغیر اقتصاد مهم‌ترین متغیر به شمار می‌آید؛ بنابراین، همگرایی در اقتصاد جهانی و نقش و عملکردی که شهرها در تقسیم‌بندی فضایی جدید نیروی کار خواهند داشت دو عامل مؤثر در هرگونه تغییر در ساخت سیستم‌های شهری محسوب می‌شوند. تغییر در عملکرد شهرها به‌ویژه در نقش مادرشهرها در سیستم جهانی، متأثر از موارد زیر است:

- جهت و حجم انتقال سرمایه؛
- تقسیم فضایی عملکردهای مالی، مدیریتی و تولیدی؛
- ساختار شغلی فعالیت‌های پایه‌ای اقتصادی.

۲. در فرایند سازمان‌بندی فضایی و مفصل‌بندی جدید از نیروی کار، شهرهای اصلی به‌عنوان نقاط محوری شناخته می‌شوند. این شهرهای کلیدی یا نقاط بنیادین را می‌توان شهرهای جهانی نامید.
۳. عملکرد جهانی کنترل و نظارت در شهرهای جهانی مستقیماً به ساختار و پویایی بخش‌های تولیدی و اشتغال آن‌ها برمی‌گردد.

۴. شهرهای جهانی، شهرهایی بزرگ و عظیمی برای تمرکز و همگرایی سرمایه‌های جهانی به شمار می‌آیند.
 ۵. شهرهای جهانی به‌عنوان مقصد مهاجرت‌ها در سطوح ملی و بین‌المللی شناخته می‌شوند.
 ۶. ساخت شهرهای جهانی خود نشانی از وجود نظام کاپیتالیسم اقتصادی به‌ویژه در قطب‌بندی فضایی است.
 ۷. رشد شهرهای جهانی هزینه‌های اجتماعی دولت‌ها را بالا می‌برد.
- فریدمن، کشورهای جهان را از نظر توسعه به سه سطح تقسیم‌بندی می‌کند که عبارت‌اند از:



شکل ۴. نظر فریدمن در رابطه با سطوح کشورهای جهان از نظر توسعه

بنابراین، شهرهای جهانی فقط در کشورهای مرکزی و نیمه پیرامونی یافت می‌شوند. فریدمن، زیرسیستم‌های جهانی منطقه‌ای را نیز به صورت زیر تقسیم‌بندی می‌کند که عبارت‌اند از:

۱. زیرسیستم جهانی آسیا شامل توکیو و سنگاپور؛
 ۲. زیرسیستم جهانی آمریکا شامل شهرهای اصلی و مرکزی نیویورک، شیکاگو و لس‌آنجلس؛
 ۳. زیرسیستم جهانی اروپا شامل لندن، پاریس و دره راین.
- اساس این تقسیم‌بندی بر حمل‌ونقل و ارتباطات و محدوده شبکه خطوط هوایی استوار است.
- جدول ۱، سلسله‌مراتب شهری جهان را براساس فرضیات هفتگانه فریدمن نمایش می‌دهد.

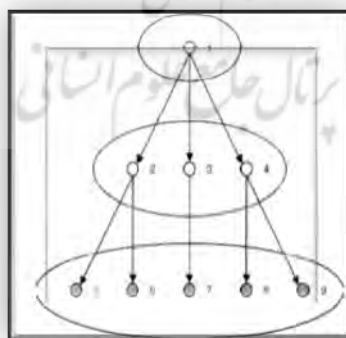
جدول ۱

سلسله‌مراتب شهری جهان بر اساس فرضیات هفتگانه فریدمن

شهرهای کشورهای نیمه پیرامونی		شهرهای کشورهای مرکزی	
شهرهای درجه دو	شهرهای اصلی	شهرهای درجه دو	شهرهای اصلی
ژوهانسبورگ	سائوپائولو	بروکسل	لندن
بوینس آیرس		میلان	پاریس
ریودوژانیرو		وین	رتردام
کاراکاس		مادرید	فرانکفورت
مکزیکوسیتی	سنگاپور	تورنتو	زوریخ
هونگ کونگ		میامی	نیویورک
تایپه		هوستون	شیکاگو
مانیل		سن فرانسیسکو	لس‌آنجلس
بانکوک		سیدنی	توکیو
سئول			

برگرفته از: Fridman (1985)

شکل ۵، تقسیم‌بندی سه‌گانه فریدمن از کشورهای جهان و نحوه ارتباط بین شهرهای اصلی تشکیل‌دهنده شبکه شهری جهان نمایش می‌دهد.



شکل ۵. نحوه ارتباط بین شهرهای موجود در شبکه شهری جهان

برگرفته از: Fridman (1985)

تقسیم‌بندی نهایی فریدمن از شبکه جهانی شهرها براساس عملکرد مورد انتظار آنها را در جدول شماره (۲) نشان داده می‌شود:

جدول ۲

سازمان‌بندی فریدمن از ۳۰ شهر جهانی

شهرهای اقتصادی جهان	شهرهای فراملی با شرکت‌های چندملیتی	شهرهای مهم و تأثیرگذار ملی	شهرهای مهم منطقه‌ای
	میامی (دریای کارائیب و آمریکای لاتین)	پاریس	اوزاکا کوبه (منطقه‌ای کاسایی در ژاپن)
لندن	لس آنجلس	زوریخ	سن فرانسیسکو
نیویورک	فرانکفورت	مادرید	سیاتل، هوستون
توکیو	آمستردام	مکزیکوسیتی	شیکاگو، بوستون
	سنگاپور	سائوپائولو	ونکوور، تورنتو
		سئول	مونترال، هونگ کونگ
		سیدنی	مانیل، بارسلونا
			مونینخ، دوسلدورف

در جدول ۲، نقش شهرها و میزان تأثیرگذاری آن‌ها، از سطوح بین‌المللی تا سطوح منطقه‌ای تقسیم‌بندی شده است. سه شهر جهانی لندن، نیویورک و توکیو، نقش فرماندهی و رأس هرم سلسله مراتبی را به خود اختصاص داده‌اند. برخی دیگر نظیر فرانکفورت و لس‌آنجلس از نقش جهانی منطقه‌ای برخوردارند و دارای نقش بین‌المللی در منطقه قاره‌ای خود هستند. به همین ترتیب، سطوح سیستم و نقش شهرها به سطوح ملی و منطقه گرایش می‌یابد. در این راستا، فریدمن بیان می‌کند، توسعه شهر و تبدیل شدن آن به شهرهای جهانی محصول جدید فرآیند جهانی شدن هستند. تکنولوژی‌های جدید، ارتباطات مخابراتی و فن‌آوری اطلاعات منجر به تمرکززدایی و انباشت فعالیت‌های اقتصادی شده است. این ترکیب فضایی و یکپارچگی جهانی نقطه عزیمتی است که موجب پیدایش نقش استراتژیک جدیدی برای شهرهای عمده و همچنین گونه جدیدی از شهرها گردیده است که ذاتاً از مراکز بانکداری و تجاری سنتی متفاوت هستند.

وی، بیان می‌کند: گرچه جهانی شدن بر شهرهای مختلفی در گستره وسیعی از کره زمین تأثیر گذاشته است، ولی برخی شهرها دارای پیوندهای قوی‌تری با فرایندهای جهانی شدن به‌خصوص در عرصه اقتصاد جهانی هستند و وزن ژئوپلیتیکی خود را افزایش داده‌اند. شناخت این شهرها همواره از محورهای مطالعاتی موردعلاقه در نظریه شهر جهانی بوده است.

در نتیجه، با وجود تنوع در معیارهایی که در مطالعات مختلف برای تعیین سطح جهانی بودن شهرها و رتبه‌بندی آن‌ها مورد استفاده قرار گرفته است و آن‌چنان‌که از تعاریف شهرهای جهانی برمی‌آید، معیارهای پرکاربرد برای رتبه‌بندی شهرهای جهانی شامل:

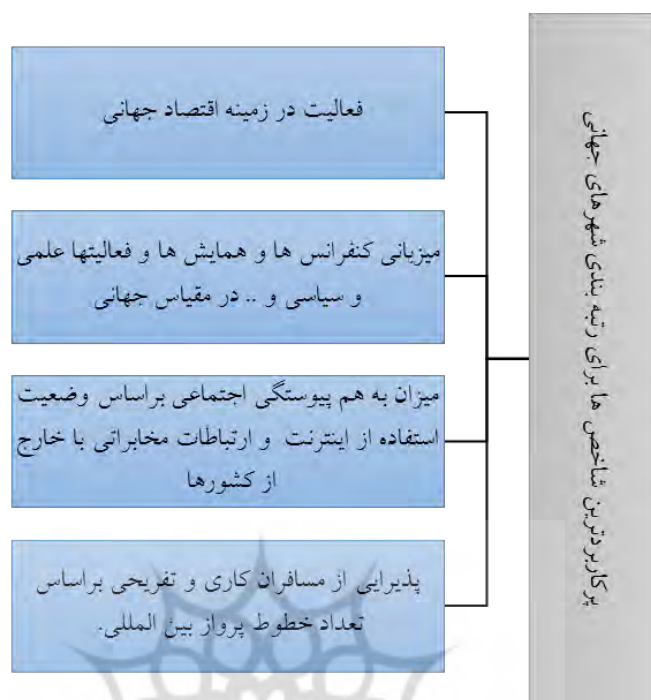
الف: فعالیت در زمینه اقتصاد جهانی (بر اساس شاخص‌های تعداد نمایندگی شرکت‌های فراملی، مراکز مالی و تعداد بانک‌های جهانی، ارزش بازارهای سهام، وضعیت انتقال پول به خارج از کشور).

ب: پذیرایی از مسافران کاری و تفریحی (بر اساس تعداد خطوط پروازی و پروازهای بین‌المللی) است.

ج: میزان به‌هم‌پیوستگی اجتماعی ساکنان شهرها با خارج از سرزمین مادری خود (بر اساس وضعیت استفاده از اینترنت و ارتباطات مخابراتی با خارج از کشورها).

د: میزبانی کنفرانس‌ها و همایش‌های علمی، فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و ورزشی برگزار شده در شهرها در مقیاس جهانی. رتبه‌بندی شهرها بر اساس این معیارها نمایانگر میزان پیوستگی شهرها با فضای جهانی و رتبه جهانی بودن آن‌ها است. وی معتقد است: توسعه فن‌آوری‌های ارتباطی و استفاده فراوان از آن‌ها موجب افزایش جریان اطلاعاتی بین شهرها و شکل‌گیری شبکه‌های شهری جهانی بین افراد، گروه‌ها، شرکت‌ها و مراکز فعالیت مختلف شده است. این

شبکه‌های در حال توسعه تسهیل‌کننده مدیریت فعالیت‌های اقتصادی پراکنده شده در سراسر جهان و نیز برقراری روابط بین فردی در ورای مرزهای ملی هستند (شکل ۶).



شکل ۶. پراکندترین پارامترها برای رتبه‌بندی شهرهای جهانی

یکی از نخستین نمونه‌های نظام شهرهای جهانی به صورت سلسله مراتبی را شامل هسته گروه‌های سطح اول و دوم مراکز نیمه پیرامونی سطح اول و دوم و نیز ارتباطات آن‌ها نشان می‌دهد که توسط فریدمن ارائه شده است. با چنین نگرشی و براساس همین جریان مازاد و با تکیه بر نظریه وابستگی، مکتبی پایه‌گذاری شده است که بر خروج مستمر مازاد از شهرها و مراکز شهری کشورهای در حال توسعه به سطوح بالاتر به عنوان سرنوشتی ظاهراً محتوم و عاملی تعیین‌کننده در ناممکن شدن توسعه در این کشورها و علت اصلی وابستگی و عقب‌ماندگی تأکید دارد که عده‌ای از آن، در قالب رابطه «مولد» و «انگلی» نیز یاد کرده‌اند.

با توجه با نظریات فریدمن می‌توان گفت: ادبیات غالب در حوزه شهرهای جهانی گرایش به ثبت سلسله‌مراتب‌هایی بر اساس توانایی یک شهر در عملکرد به عنوان مرکزی برای فرماندهی و کنترل نیروهای جهانی شدن دارد. این موضوع حتی اگر همیشه به صراحت اذعان نشود، دلالت بر این دارد که شهرهای دیگری در فرایند جهانی شدن وجود دارند که فراهم‌کننده منابعی هستند که مورد فرماندهی و کنترل قرار می‌گیرند؛ بنابراین، شهرهای جهانی؛ «بزرگترین و مکمل‌ترین شهرها در جهان که در رأس دستورالعمل‌های جهان قرار دارند و مرکز ثقل اقتصادی و بعضاً سیاسی و فرهنگی هستند. آن‌ها موتور محرک توسعه ملی و ستون‌های افزایش قدرت منطقه‌ای در جهان هستند»، می‌باشد. بر اساس تحقیق طرح مفصل‌بندی فضایی از شهر، مربوط به فعالیت‌های آن به عنوان مرکزی است که از آن طریق پول، اطلاعات، کارگران، کالا و غیره در نتیجه روابط مفصل‌بندی اقتصادی بین مناطق حومه و اقتصاد جهانی به آنجا سرازیر می‌شوند. معیار این مفصل‌بندی فضایی، شهرها را در رده‌های سلسله مراتبی قرار می‌دهد.



شکل ۷. مفصل‌بندی فضایی شهرها

نتیجه گیری

شهرهای جهانی در دوران کنونی به سه دلیل اهمیت روزافزونی پیدا کرده‌اند: (۱) بزرگی و شدت جریان سرمایه جهانی. (۲) احتیاج روزافزون جهت متمرکز نمودن کنترل و فرماندهی مسئولیت‌ها در اقتصاد جهانی نامتمرکز. (۳) لزوم زیرساخت‌های فنی برای صنایع مالی و تجاری. این مباحث بر پایه مشاهداتی است که در دهه ۸۰ میلادی بر اثر رشد صنایع مالی و تجاری اتفاق افتاد. بعدها، توسعه مجدد این شهرها همچنین وابسته به گسترش شگفت‌انگیز رسانه‌ها و شرکت‌های فرهنگی و اطلاعاتی بود. با وجود تنوع در معیارها و پارامترهایی که در مطالعات مختلف برای تعیین سطح جهانی بودن شهرها و رتبه‌بندی آن‌ها مورداستفاده قرار گرفته است و آن‌چنان‌که از تعاریف شهرهای جهانی توسط فریدمن برمی‌آید، پرکاربردترین آن‌ها برای رتبه‌بندی شهرهای جهانی شامل مواردی هستند که در رأس آن‌ها داشتن اقتصاد پیشرفته و پیشگام است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد، فریدمن، فرضیه شهر جهانی را ارائه داد و در قالب یک نظریه، «شهر جهانی» را مورد تبیین و تحلیل قرار داد، بر «جنبه اقتصادی شهر» تکیه می‌کند. شهرهای جهانی در سطح جهان در بطن فعل‌وانفعالات فراملی، جنبش‌های فرهنگی و دادوستدهای اقتصادی هستند. این شهرها مراکز فرماندهی اقتصاد جهانی‌اند و نقاط ارتباطی جامعه جهانی و مکان‌های مهم تحولات اجتماعی و اقتصادی تلقی می‌شوند. این شهرها نقاط کانونی اقتصاد جهانی هستند و شهرهای توکیو، لس‌آنجلس، شیکاگو، نیویورک، لندن، پاریس و... را مراکز سطح اول سلسله‌مراتب شهری جهانی محسوب می‌شوند. از آنجایی‌که شهرهای جهانی «مرکز فرماندهی» و واقع شده در مرکز ثقل شبکه جهانی شهرها توصیف شده‌اند؛ بنابراین، می‌توان گفت: شهرها؛ باید به نظام‌هایی اقتصادی و اجتماعی در سازمان فضایی تبدیل شوند و حرکت به سوی توسعه و در نهایت شهر جهانی بر اساس داشتن سه شاخص اساسی است که عبارت‌اند از: ۱- فعالیت ادارات مرکزی شرکت‌ها، ۲- مراکز مالی، ۳- شهرهای مفصلی یا پیوند.

منابع

- احمدی پور، زهرا و قادری، مصطفی. (۱۳۹۴). *ساماندهی و آمایش سیاسی فضای شهری*، تهران: سمت.
- پورموسوی، سید موسی؛ قورچی، مرتضی و رستمی، قهرمان. (۱۳۹۰). تبیین ژئوپلیتیکی کلان شهرهای جهانی، *فصلنامه ژئوپلیتیک*، ۷(۱)، ۳۴-۵۶.
- حسینی، نرجس سادات. (۱۳۹۷). تبیین پدیده شهر در *جغرافیای سیاسی و ژئوپلیتیک*، رساله جهت اخذ مدرک دکتری، دانشگاه تهران.
- جانستون، ار. جی؛ تیلور، پیتر و واتس، مایکل. (۱۳۸۳). *جغرافیاهای تحول جهانی*، مترجم، نسرين نوریان، تهران: دوره عالی جنگ.
- رضویان، محمدرقی؛ مؤذن، سهراب و قورچی، مرتضی. (۱۳۹۸). ارزیابی کارایی انرژی در مقیاس محله ای با استفاده از مدل لید در راستای توسعه پایدار (مطالعه موردی: محله ولنجک شهر تهران)، *جغرافیا و توسعه فضای شهری*، ۶(۱)، ۲۲۳-۲۳۷.

سرور، هوشنگ. (۱۳۹۶). تحلیل و رتبه بندی پایداری کلانشهر تهران در بین شهرهای جهانی، *فصلنامه جغرافیا و توسعه*، ۱۱(۴۷): ۸۹-۱۰۴.

شورت، جان رنه و یونگ هیون کیم. (۱۳۸۶). *جهانی سازی و شهر*. ترجمه شده توسط احمد و شایان رستمی. تهران: مرکز علمی آموزش و پرورش، فرهنگ و تحقیقات.

شورت، جان رنه. (۱۳۹۶). کلان شهرهای جهانی، مترجم مهدی داوودی، انتشارات پاپلی.

کاستلز، مانوئل. (۱۳۸۰). *ظهور جامعه شبکه ای (اقتصاد، جامعه و فرهنگ)*. جلد اول. احد علیقلیان، افشین، خاکباز و علی پایا. تهران: طرح نو.

علی اکبری، اسماعیل و کماسی، حسین. (۱۳۹۷). ارزیابی شاخصهای استراتژی توسعه شهری (CDS) در کلانشهر کرمانشاه، *جغرافیا و توسعه فضای شهری*، ۸(۱)، ۱۹۳-۲۱۰.

مجتهدزاده، پیروز. (۱۳۸۱). *جغرافیای سیاسی و سیاست جغرافیایی*، چاپ اول، سمت.

نسترن، مهین؛ پیرانی، فرزانه. (۱۳۹۸). تدوین و اعتبارسنجی معیارها و شاخص های توسعه شهر هوشمند، *جغرافیا و توسعه فضای شهری*، ۶(۱)، ۱۴۷-۱۶۴.

References

- Ahmadipour, Z. & Kadri, M.. (2014). Organization and political planning of urban space, Tehran: Samt. (in Persian).
- Beaverstock, J.V, R.J. Smith, P.J. Taylor, D.R.F. Walker, and Lorimer, H. (1999). Globalization and World Cities: some Measurement Methodologies *Applied Geography* 20: 43-63.
- Doel, M. & Hubbard, P.(2002). Taking World Cities Literally: Marketing the City In A Global Space Of Flows, *City*, Vol.6, No.3, 351-368.
- Fregonese, S.(2012). Urban geopolitics 8 yaers on: Hybrid sovereignties, the everyday, and geographies of peace, *Geography Compass*, 6(5), 290-303. Downloaded from georesearch.ir.
- Friedman, J. & Wolf, G. (1982). World City Formation: An Agenda For Research And Action, Reprinted In Neil Brenner (Eds). (2006). *The Global Cities Reader*, Routledge.
- Friedman, J. (1986). The World City Hypothesis. *Development And Chang* 17(1): 69-83.
- Friedman, J. (1995). Where We Stand? A Decade Of World City Research, In *World Cities In A World-System*, Edited By P.L. Knox And P.J. Taylor, 21-47. Cambridge: Cambridge University Press.
- Gunder, M., & Hillier, J. (2007). Problematising responsibility in planning theory and practice: On seeing the middle of the string? *Progress in Planning*, 68(2), 57-96.
- Hosseini, Narjes Sadat. (2017). Explaining the phenomenon of the city in political geography and geopolitics, dissertation for obtaining a doctorate degree, University of Tehran. (in persian).
- ITU-T Focus Group. (2013). Smart sustainable cities: An analysis of definitions. France: Focus Group Technical Report
- Johnston, RJ; Taylor, Peter and Watts, Michael. (2004). Geographies of global change, translator, Nasrin Noorian, Tehran: The Great Period of War. (in persian).
- King, D.A. (1991). *Global Cities*, Routledge.
- Razovian, Mohammad Taghi; Muezzin, Sohrab and Ghorchi, Morteza. (2018). Evaluation of energy efficiency in a neighborhood scale using the lead model in the direction of sustainable development (case study: Velanjak neighborhood of Tehran), *Geography and Urban Space Development*, 6(1), 223-237. (in persian).
- Sassen, S. (2001). Global Cities And Developmentalist States: How To Derail What Could Be An Interesting Debate? A Response To Hill And Kim. *Urban Studies* 38(13): 2537-2540.
- Sassen, S. (2003). *The Global: Strategic Site/New Frontier*
- Sassen, S. (2006). *Cities in a World Economy*; pine Forge press an Imprint of sage puplications.
- Server, Hushang. (2016). Analysis and ranking of sustainability of Tehran metropolis among world cities, *Geography and Development Quarterly*, 11(47). 89-104. (in persian).
- Short, J. (2004). *Global Metropolitan: Globalizing Cities In A Capitalist World*, Rutledge Publishers.
- Short, John Rene, and Yong Hyun Kim. (2007). *Globalization and the city*. Translated by Ahmad and Shayan Rostami. Tehran: Scientific Center of Education, Culture and Research. (in persian).
- Taylor, P.J. & Flint, C. (2000). *Political geography: World – Economy, nation- state, and locality*. Fourth Edition , New York : Prentice Hall.

- Taylor, P.J. (2001). A New Mapping Of The World For The New Millennium, The Geographical Journal: Vol 167, P 213-222.
- Taylor, P.J. (2004) World City Network- A Global Urban Analysis, New York, Routledge
- Taylor, P.J. (2008). The geography of uneven development. London: SAGE Publication Ltd.
- Taylor, P, J. (2005) Radical political Geography. In J. Agnew, k. Mitchell & G. Toal (eds), A Companion to political geography (47-56), third Edition , London: Blakwell Publishing.
- Taylor, P, J. (2007). 25 years of political Geography in a changing political world: A brief personal memoir. Political geography 26(1).
- Timberlake, Michael, Yehua D. Wei, Xiulian Ma, & Jianmei Hao. (2014). Global Cities with Chinese Characteristics, Cities 41(B) 162-170.

How to Cite:

Kamran Dastjardi, H. & Hosseini Nasrabadi, N.S. (2022). Measuring the degree of development and degree of globalization of cities with emphasis on John Friedman's thought. *Geographical Engineering of Territory*, 6(1), 147-159.

ارجاع به این مقاله:

کامران دستجردی، حسن و حسینی نصرآبادی، نرجس سادات. (۱۴۰۱). سنجش میزان توسعه و درجه جهانی شدن شهرها با تأکید بر اندیشه جان فریدمن. *مهندسی جغرافیایی سرزمین*، ۶(۱)، ۱۴۷-۱۵۹.

